ارتباط با ارواح

مظهری، محمد

(کمک کنید به مستحق حقیقی و همیشه فکر کنید که یک نفر پیش شما است و تمام‏ حرکات و افعال شما را میبیند،بدی هم کنید میبیند.همین فکر باعث‏ میشود که بد نکنید و همینطور هم هست چون ارواح همیشه مواظب شماها یعنی زندگان هستند.) یکهفته بعد یعنی عصر روز 14/2/1321 که با روح سعدی مربوط بودیم ایشان هم ضمن‏ نصایحی که اثرات آن نزد نویسنده باقی‏مانده بشرح ذیل ما را ارشاد میکردند:

(تقصیر کار هیچوت فکر نمیکند که مقصر است چون اگر این فکر را بکند دیگر مرتکب‏ تقصیر نمیشود.او میگوید صلاح چنین بود و اگر هم عیب خود را بفهمد ظاهر نمیکند. ولی مطمئن باشید که چنین شخصی عقل و شعور ندارد زیرا از دو حال خارج نیست یا خواسته‏ است تلافی کند یا بجائی برسد و نفعی عاید او گردد.عقلا هیچ وقت تلافی نمیکنند و میگویند لذتی که در عفو هست در انتقام نیست.در اینصورت اگر طرف شما شخص فهمیده‏ای‏ باشد پشیمان میشود.حال اگر شما انتقام بگیرید آنهم از دو حال خارج نیست یکی اینکه‏ طرف شما شخصی است نفهم و در اینصورت بدون جهت خود را عصبانی کرده‏اید و ضرر جانی‏ بخود زده‏اید و وقت خودتان را هم تلف کرده‏اید و او هم کماکان در نفهمی خود باقی خواهد بود. دیگر آنکه طرف شما شخص فهمیده‏ای باشد و روزی خواهد رسید که خود او نادم میشود و در اینصورت شما بد کارید و او نیکوکار.پس اگر بشر فکر انتقام را از مخیلهء خود دور سازد بزرگترین‏ خدمت را به نوع خود کرده است.

یکی دیگر از صفات مذمومه خودخواهی است یعنی کسی که همیشه در فکر شخصی خود باشد ممکن است برای منافع خود بدیگران صدمه بزند و این قبیل اشخاص از دروغ و دزدی‏ و حتی قتل نفس هم ابا و امتناع ندارد بلکه افتخار هم میکند که دیگران را مثل مورچه لگدمال کرده‏اند.

صفت دیگری هم که اشخاص را بطرف فقر و بدبختی میکشاند کناره‏گیری از تلاش و فعالیت و بعبارت دیگر کاهلی است.شخص تنبل همیشه بیکار می‏نشیند و اگر معتقداتی هم‏ داشته باشد ضمن مقایسه خود با زیردستان برای هر لقمه نان به خدا شکر میکند غافل از اینکه چنین شخصی علاوه بر متوقف ماندن ترقیات روحی خودش نه برای خویشتن مفید است نه برای جامعه...راجع به این قبیل مسائل زیاد صحبت کرده‏ایم و آنچه مسلم است‏ معایب اخلاقی فقط با اراده و تصمیم خود اشخاص برطرف میشود.برای گفتن یکدم و برای‏ تفسیر و بیان آن گفته یک ساعت و برای عمل بآن گفته یک عمر وقت لازم است.برای دور کردن یک عادت بد هم فقط یک تصمیم توأم با قوت اراده کافی خواهد بود.)

بطوریکه ملاحظه فرمودید در عبارات مستخرجه از سه صورت جلسه انجمن روحی هیچ‏گونه‏ اظهار فضل و تکلفی به چشم نمیخورد و همان اشخاص که در دوره حیات مادی دم از فصاحت‏ و بلاغت میزدند اینک در نهایت سادگی با ما صحبت میکنند و در حقیقت نوشتحات‏ انجمن روحی بمنزلهء تقریر است نه تحریر،بهر حال از اواسط سال 1324 شمسی به بعد بطوریکه بعدا شرح داده خواهد شد در نتیجه یک اختلاف‏نظر اصولی از شرکت در انجمن‏ روحی ایران خودداری کردم و غیر از چند جلسه که در اوایل سال 1334 با راهنمائی مرحوم‏ حشمت‏الدوله والاتبار بوسیله مرحوم جنابی ارتباط روحی پیدا کردیم و اطلاعات و نظریات‏ قبلی از لحاظ رئوس مسائل مورد تأیید واقع شد و دفعه دیگر در سال 1336 در شیراز بوسیله مدیوم دیگری با روح سعدی مربوط و تصادفا اشاره بهمان مطالب قبلی نمود(که‏ این خود بهترین کنترل صحت ارتباط قبلی محسوب میشود)دیگر پیرامون ارتباط با ارواح نگشته‏ام. چهارده قرن از بعثت حضرت رسول اکرم(ص)میگذرد و در محیط بدوی و غیرمساعد آن روز خداوند متعال میفرماید:

(یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی)

یا در جای دیگر برحسب مقتضیات وقت گفته شده

(لا جبرو لا تفویض بل امر بین الامرین)

همانطور که فکر اعراب‏ در آن ایام آمادهء فهم حقایقی راجع به راه‏آهن و تلگراف و هواپیما و رادیو و تلویزیون و امکان مسافرت بشر به کروات دیگر نبود کما اینکه هنوز مجهولات زیادی در پیش است که‏ در آتیه بصورت معلوم در خواهد آمد و بشر امروز امکان فهم آنرا ندارد آن روز هم‏ محیط وقت آماده تشخیص و درک پارهء حقایقی مربوط بروح و علل خلاف در آفرینش‏ نبود و اگر در چنین عصری از حضرت رسول اکرم(ص)راجع به الکتریک و رادار سئوال می‏کردند چاره‏ای جز این نبود که بفرمایند(من امر ربی).ولی دلیل ندارد که اگر امروز روزنهء کسب اطلاعی از اسرار خلقت بدست آید از چنین موقعیتی استفاده نشود و مفاد آیه بالا را حمل بر ممنوعیت تحقیق و بحث در این زمینه بنمایند.پر واضح است که نه تنها روح و مسائل مربوط به جبرو تفویض بلکه تمام معلومات امروز که سابقا مجهول بوده و همچنین‏ معلومات آینده که امروز در حکم مجهول است همه اینها جزو امر خدا هستند.

در هر حال نویسنده سعی میکند آنچه را که شنیده و با چشم خود دیده و یا استنباط نموده تا آنجا که قوهء حافظهء و ادراک و تشخیص یارائی کند در این رساله به رشته تحریر در آورد و در عین حال معتقد است ولو اینکه پاره‏ای از این مسائل ظاهرا با طرز تفسیر بعضی‏ از مذاهب مختلفه وفق ندهد لااقل در ردیف فرضیه‏های مختلف بررسی بشود تا آنچه احیانا بنظر غیر منطقی برسد بوسیله عقلا و متفکرین و صلحای قوم با دلایل علمی و حسی رد شود و بر عکس آنچه با عقل منطق و طرز فکر ابناء بشر در عصر اتم مطابقت دارد مورد تعقیب‏ و تکمیل قرار بگیرد زیرا چناچه یک در هزار هم از اسرار مجهول خلقت بدین وسیله کشف‏ شود باز هم قدم بزرگی در راه تنویر افکار و هدایت ابناء بشر خواهد بود.

بقیه از صفحهء21 و متأسفانه این اشتباه و سهو بزرگ را خاورشناس دیگر نیز به تبع از وی تکرار و صحیح‏ سقورلق را اشتباها در کتاب خود ستوریق نوشته است‏3

و نباید ناگفته گذاشت که خاورشناس روسی،ای،پ،پطروشفسکی به نقل از نسخه‏ خطی جامع التواریخ ضبط صحیح نام سقورلق را در کتاب خود نوشته است ولی در تعیین‏ محل جغرافیائی و توضیح و تطبیق آن با تخت سلیمان ذکری بمیان نمی‏آورد و میگذرد چنین‏ بنظر میرسد که این دانشمند نیز از یکی بودن سقورلق و تخت سلیمان آگاهی نداشته‏ است‏1و بایستی اضافه کرد که حسن انوری در تألیف خود با استناد و از کتاب نزهةالقلوب‏ ستوریق را بجای نام صحیح سقورلق بیان نموده است‏2و هم چنین مؤلف کتاب تخت سلیمان‏ آقای علی اکبر سرفراز نیز از این اشتباه برکنار نبوده است‏3 (ادامه دارد) 3-رجوع شود به معماری اسلامی ایران در دورهء ایلخانان اثر دونالدن،ویلبو ترجمه عبد الله فریار چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

(1)-کشاورزی مناسبات ارضی در ایران عهد مغول تألیف ای،پ،پطروشفسکی ترجمهء کریم کشاورز چاپ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی جلد اول صفحه 143

(2)-آتشکدهء آذرگشسب نوشتهء حسن انوری بهمن سال 1341 چاپخانه رنگین تهران

(3)-تخت سلیمان تألیف علی اکبر سرفراز با همکاری محمد یوسف کیانی چاپ دانشگاه‏ تبریز صفحهء 99.